

# فوتبالی که حتی ارزش دیدن ندارد

**فریدون حسن** فوتبال به عنوان پر مخاطب‌ترین ورزش جهان و یکی از محبوب‌ترین پدیده‌های اجتماعی یک قرن گذشته شناخته می‌شود. هنر نمایی تکنیکی بازیکنان در داخل زمین و مریبانی که با اتخاذ تاکتیک‌های گوناگون باعث نمایش زیبای دنیای مستطیل سبز شده و می‌شوند از علل اصلی محبوبیت این جادوی ورزش هستند.

فوتبال را علاوه بر این دو مورد مهم و تأثیرگذار موارد دیگری هم جذاب می‌کند. از جمله این موارد می‌توان به جاذبه‌های بصری این رشته اشاره کرد. جاذبه‌هایی که باعث می‌شود حتی کسانی که علاقه‌ای به فوتبال هم ندارند برای لحظاتی جلوی تلویزیون می‌خکوب شوند و زبان به تحسین باز کنند.

نگاهی به سطح اول فوتبال دنیا کافی است که به اهمیت این موضوع پی ببریم. امروز در فوتبال دنیا شاهد رقابت سخت شرکت‌های تبلیغاتی و تولیدکنندگان لوازم ورزشی هستیم. طراحی لباس‌های چشم‌نواز با استفاده از رنگ‌های مناسب و متنوع برای تیم‌ها، تبلیغات محیطی جذاب در داخل و خارج زمین فوتبال در کنار تصویربرداری‌های درست و استفاده از آخرین تکنولوژی‌ها برای افزایش جاذبه‌های بصری فوتبال از جمله مواردی است که فوتبال حرفه‌ای جهان با اهمیت دادن به آنها در کنار هنر نمایی ستارگان مستطیل سبز سعی در جذب مخاطب بیشتر دارد.

حالا این تلاش گسترده را برای بهتر دیده‌شدن در کنار شرایط فوتبال ایران بگذرانیم تا متوجه شویم که چرا سال‌هاست عنوان می‌شود، فوتبال ایران فقط اسمش حرفه‌ای شده و فرسنگ‌ها با فوتبال حرفه‌ای سطح اول جهان فاصله دارد. به قول معروف میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.

برای شروع بهتر است از طراحی لباس تیم‌های باشگاهی و حتی ملی شروع کنیم. در این مورد قانون کپی‌رایت که اصلاً وجود ندارد و بسیاری از طرح‌های لباس‌ها به اسم تولیدات خارجی در کارگاه‌های مراکز تولید البسه ورزشی تولید می‌شود؛ لباس‌هایی بی‌کیفیت که اصلاً حرفی از آنها به میان نیاید بهتر است، اما از اینها که بگذریم باید به طراحی لباس تیم‌ها توجه کنیم که کوچک‌ترین فکری روی

آن نمی‌شود. سؤال اینجاست اصلاً طراحی وجود دارد؟

سال‌هاست که یک شرکت خارجی لباس‌های تیم‌های باشگاهی ایران را تولید می‌کند، اما نبود یک شخص در باشگاه‌ها که پیگیر امور اینچینی تیم‌ها باشد، باعث شده تا این شرکت بدون کوچک‌ترین زحمتی یک طرح را در رنگ‌های مختلف سال‌ها به تیم‌های ایرانی بفروشد. طرحی خسته‌کننده با رنگ‌های یکدست به گونه‌ای که برخلاف فوتبال اروپا وقتی به تماشای فوتبال ایران می‌نشینیم از دیدن رنگ‌های مرده و بدون شادابی دچار افسردگی می‌شویم. مثلاً سال‌هاست که تماشاگر فوتبال ایران عادت کرده تا تیم‌ها را در قالب رنگ‌های یکدست ببیند. یعنی پیراهن، شورت و جوراب ورزشی تیم‌ها همه یک‌رنگ است. یا قرمز، آبی، سبز یا مشکی، یعنی تماشاگر همیشه در یک بازی به جز دو رنگ تکراری چیز دیگری نمی‌بیند. در حالی که در فوتبال اروپا اصلاً چنین چیزی نیست و تعصب رنگی یک مورد مسخره محسوب می‌شود. به عنوان مثال می‌توان برخی تیم‌های بزرگ را دید که پیراهن اصلی‌شان قرمز و پیراهن دوم‌شان آبی است. و حالا تصور کنید یک شرکت پیدا شود به یکی از باشگاه‌های ایرانی چنین طرحی را پیشنهاد دهد. به طور حتم نفی خواهد شد. اینگونه است که سال‌ها پیراهن‌های باشگاهی ایران هیچ جذابیتی حتی برای طرفداران پر و پا قرص تیم‌ها هم ندارد.

از لباس و مثنوی صد من کاغذ آن که بگذریم باید به تبلیغات محیطی اطراف زمین اشاره کنیم. ناگفته نماند که کوچک‌ترین پیشرفتی در خصوص آن داشته‌یم. ورزشگاه‌های ایران با توجه به بهره بردن از بیست تارتان و فاصله‌ای که میان زمین و جایگاه تماشاگران وجود دارد، بهترین امکان برای استفاده از تبلیغات متنوع محیطی برای شاداب‌شدن جلوه‌های بصری یک بازی فوتبال چه برای تماشاگران حاضر در ورزشگاه و چه برای بینندگان تلویزیونی. ذکر این نکته لازم است که در بسیاری از ورزشگاه‌های اروپا سکوهای تماشاگران به زمین مسابقه چسبیده است، اما ما این وجود آنها با نهایت دقت بهترین تبلیغات را انجام می‌دهند.



تأثیر بسزایی در جذابیت‌های بصری فوتبال دارد. از این بابت باید اذعان کنیم که با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم. مقایسه بخش مسابقات فوتبال اروپا با آخرین سیستم‌های تصویربرداری با بخش مسابقات داخلی این مهم را ثابت می‌کند. تفاوت‌های فوتبالی که حتی رنگ‌بندی، تبلیغات و تصویربرداری آن جدای از هنر نمایی‌های تکنیکی و تاکتیکی باعث می‌خکوب‌شدن علاقه‌مند به فوتبال می‌شود با فوتبالی که ۹۰ دقیقه تماشاگر و بیننده خود را چه به لحاظ فنی و فوتبالی و چه از دیدگاه بصری زجر می‌دهد. شاخصه‌های یک فوتبال حرفه‌ای زیاد است و آنچه عنوان شد تنها نمونه‌هایی از فاکتورهایی است که می‌تواند یک مسابقه فوتبال را برای تماشاگران آن جذاب کند، اما نکته اصلی اینجاست که فوتبال ایران با وجود سه دهه ادعای حرفه‌ای شدن حتی از داشتن بدیهی‌ترین آنها محروم است. علت اصلی این ماجرا را باید در سوءمدیریت و سیستم مدیریت اشتباه فوتبال در تمامی این سال‌ها جست‌وجو کرد. سیستمی که هیچ گاه نتوانسته فوتبال را رو به جلو ببرد و در نهایت به کسب نتایج مقطعی دلخوش بوده است. چنین مدیریتی حتی از لحاظ فنی هم به فوتبال ایران ضربه زده است، چه رسد به اینکه بخواهد برای جذابیت‌های بصری آن برنامه داشته باشد.

البته چند سالی می‌شود که برخی تبلیغات در ورزشگاه‌ها دیده می‌شود، اما نحوه بخش این تبلیغات در کنار تبلیغات تصویری چنان فاجعه‌بار است که نه تنها کمکی به افزایش جاذبه بصری

مسابقات نمی‌کند که از آن نیز می‌کاهد. تصویربرداری و بخش تلویزیونی مسابقات هم موردی است که

لیگ برتر در باتلاق جنجال و هیاهو گیر افتاده است

## طبل توخالی فوتبال جنجالی

اوضاع لیگ برتر فوتبال هر هفته بدتر می‌شود. اگر در شروع فصل در یکی دو بازی حاشیه داشتیم، الان کار به جایی رسیده است که همه بازی‌ها با جنجال شروع می‌شوند و با جنجال هم به پایان می‌رسند. فرقی نمی‌کند بازی کدام تیم‌ها باشد، صدرنشین باشند و در کورس قهرمانی یا قعرنشین باشند و فانوس به دست. در بحرانی‌شدن شرایط فاکتورها و افراد زیادی دخیل هستند و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود باید فاجعه لیگ را بخواهیم.

**سهام فوتبالی‌ها**

با کوچک‌ترین خطا و اولین سوتی که داور می‌زند، همه داد و بیداد راه می‌اندازند. چه آنها که در زمین هستند و چه آنها که بیرون زمینند. هر یک از طرفین خود را محق می‌دانند و منتظر هستند تا رأی به سود آنها صادر شود، اما بالاخره یک طرف ماجرا جریمه می‌شود. بازیکنان کارت می‌گیرند یا پناهی علیه‌اش اعلام می‌شود. باز هم فرقی نمی‌کند کدام تیم است و بازی با چه نتیجه‌ای دنبال می‌شود؛ تحت هر شرایطی جنجال به راه می‌افتد و بعد از هر بیعت بازیکنان با داور، گادر فنی و تیمکت‌نشینان وارد گود می‌شوند. از آنجا که همه یک پا کارشناس هستند،



پس نمی‌توان انتظار داشت تصمیم داور را بپذیرند. در نتیجه هر کاری می‌کنند تارای را برگر دانند. درگیری با داوران، ناظر بازی و تیمکت‌نشینان نیز نتایج دخالت در کار داور است.

کافی است یکی از تیم‌های مدعی نتیجه مطلوب نگیرد، در آن صورت داور اصلی‌ترین مقصر معرفی و پس از آن هم حرف از دست‌های پشت پرده و اجرای دستورات از بالا زده می‌شود.

آن وقت است که مریبان تمام ناکامی‌هایشان را گردن این و آن می‌اندازند. کار وقتی بالا می‌گیرد که مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره باشگاه‌ها نیز قاطعی ماجرا شده و از هر تیمی برای اعتراض کردن استفاده می‌کنند.

**سهام سوت‌ها و نبود VAR**

همیشه سه اینکه قضاوت اشتباه داوران چقدر می‌تواند روی تغییر نتیجه و سرنوشت تیم‌ها تأثیر بگذارد، بحث شده است. باید پذیرفت که هر سوت اشتباه قاضی میدان در عملکرد تیم‌ها و نتیجه نهایی تأثیرگذار است. منتها بحث اصلی بر سر سهوی یا عمدی بودن تصمیمات است. اینکه اشتباه داور جزئی از فوتبال است درست است، اما با ورود VAR به مستطیل سبز بخش اعظم اشتباهات سهوی کاسته می‌شود. با این وجود عدم تجهیز ورزشگاه‌ها می‌آید این سیستم مشکلات را چند برابر کرده است. افزایش تعداد سوت‌های اشتباه باعث شده تا حرف و حدیث‌ها در خصوص عمدی بودن آنها شدت پیدا کند و بازیکنان، مربیان و مدیران عملاً ناکامی‌هایشان را به گردن داور بیندازند.

**جای خالی نظارت**

رئیس کمیته داوران معمولاً از داوران حمایت می‌کند، حتی اگر اشتباهاتشان محرز بوده باشد. البته خداداد افساربان اخیراً پذیرفت که داور مسابقه پرسپولیس

ریخت و پاش‌های تمام نشدنی فوتبال

## آپشن‌های آنچنانی برای هیچ

خاص است و این میراث مدیران نالایق و بی‌کفایتی است که تنها نام مدیر را بدک می‌کشند و چون خرج از کیسه خودشان نیست، نه فقط حساسیتی در خصوص این گونه موارد ندارند که اتفاقاً نرمش و بخشندگی قابل توجهی نیز از خود نشان می‌دهند. به گونه‌ای که گاهی این‌ها به وجود می‌آید که شاید خود نیز از داستان این آپشن‌ها سودی به جیب می‌زنند، چرا که با وجود مانور برخی تیم‌ها روی ارقام پایین قراردادها، در پشت پرده رقم‌هایی نجومی را به جیب بازیکنان سرازیر می‌کردند؛ رقم‌هایی که مجموع آپشن‌های عجیب و غریب بود.

پاداش قهرمانی در لیگ، جام حذفی، کسب سهمیه و آقای گلی را شاید بتوان به نوعی توجیه کرد، اما پرداخت پاداش برای حضور در هر بازی آن هم با رقم‌های پیشنهادی ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومانی پاداش برای دادن هر یک گل یا هر یک پاس گل ۳۰ میلیون تومان است و این سؤال را ایجاد می‌کند که پس اصل رقم درج شده در قرارداد بابت چه چیزی است، وقتی بازیکن کم مانده برای راه رفتن در کنار زمین هم چندین میلیون تومان به جیب می‌زنند. البته بماند که این ارقام عجیب و غریب برای بازیکنان خارجی دلاری در نظر گرفته می‌شود.

البته که همیشه هم آپشن‌های در نظر گرفته شده، مالی نیست و گاه مواردی عجیب و غریب را شامل می‌شود که در مخیله کمتر کسی



می‌کنجد. مواردی چون رضایت مدیرعامل، حل مشکلات اخلاقی، منشوری، ممنوع‌الخروجی یا گرفتن انواع معافیت‌های سربازی. زمانی برای مقابله با افزایش بی‌رویه و بی‌دلیل رقم قرارداد بازیکنان، سقف ۲۵۰ و ۴۵۰ میلیون تومان برای بازیکنان معمولی و برای بازیکنان نامتعارف در قرارداد با بازیکنان گنجانده نمی‌شود و شامل حال مریبان نیز می‌شود. به طوری که گاه مریبانی با یکی دو موفقیت سطحی خواهان مبالغی قابل توجه در ازای هر برد و تساوی دارند و این جدای از خواسته‌هایی است که در زمینه خانه و اتومبیل لوکس ارائه می‌دهند و با مخالفتی نیز از سوی باشگاه‌ها مواجه نمی‌شود، اما شاید عجیب‌ترین و جالب توجه بودن درخواست یک مریبانی تا به امروز، خواسته او برای مجانی شدن آب، برق، گاز و حتی تلفن منزلش بوده است.

پای تسویه حساب‌های شخصی که به میان می‌آید، تمنت رسوایی مدیران فوتبال ایران از بام می‌افتد و واقعیت‌هایی روی دایره می‌ریزد که کمتر کسی حتی تصورش را می‌کند. داستان‌هایی چون ماجرای آپشن‌های موجود در قرارداد بازیکنان و مریبان که چند سالی است، مد شده است. داستانی که استراتژ آن شاید از زمانی زده شد تا کنان که آقایان مدعی کنترل رقم قراردادها فوتبال باشگاهی در ایران شدند.

اوج گرفتن رقم‌های درج شده در قراردادها مسئولان فوتبال را بر آن داشت که گامی برای مقابله با این ماجرا بردارند. نفس کار اشتباه نبود و می‌توانست مانع از حیف و میل بی‌مورد بیت‌المال شود. و این وجود آنجا که این قانون خلق الساعه بود و برای وضع آن هیچ بررسی اصولی و زیرساختی انجام نشده بود نه تنها سودی در پی نداشت و نتوانست مانع از دست‌درزای‌های بی‌حد و حصر آقایان به جیب ملت شود که اوضاع را بدتر هم کرد و باعث شد تا عیان‌کار به طور کامل از دست آقایان در برود و بدعتی تازه را در فوتبال ایران پایه‌گذاری کرد. به طوری که

مدیران ناکارآمد و نالایق برای جبران رقمی که به دلیل قانون سقف قرارداد نمی‌توانست

از یک حدی تجاوز کنند، پای آپشن را به فوتبال ایران باز کردند. آپشن‌هایی عجیب و غریب اگر چه در ابتدا راه فراری بود برای دورزدن قانون سقف قراردادها، اما در ادامه به دستاویزی تبدیل شد برای مدیران ناکارآمد و دلالی‌های هر چه بیشتر! به طوری که گاهی مجموع آپشن‌ها از مبلغ اصل قرارداد نیز بیشتر می‌شود. بی‌آنکه هیچ دغدغه و نگرانی برای آقایان ایجاد کند، چرا که نه در نسخه سازمان

لیگ درج می‌شود نه در مالیات‌ها و هزینه‌ها دیده می‌شود و نه حتی مشخص می‌شود که از کدام حساب و چگونه پرداخت می‌گردد. با این وجود گاهی پای تسویه حساب‌های شخصی که به میان می‌آید، شاهد چرخش قراردادهایی هستیم که آپشن‌های عجیب و غریب آن ابهامات زیادی را به دنبال دارد و همگان را متعجب می‌سازد. افشاگرایی‌هایی که اگر چه محض رضای خدا نیست، اما پرده از زود و بندها و لابی‌بازی‌های بسیاری برمی‌دارد و واقعیت کثیفی را عیان می‌کند که سال‌هاست در فوتبال ایران وجود دارد و هیچ همتی هم برای مقابله با آن وجود ندارد.

بی‌شک در نظر گرفتن پاداش برای قهرمانی یا کسب عناوینی چون آقای گلی، در فوتبال دنیا نیز مشاهده می‌شود، اما آپشن در قراردادهایی که در فوتبال ایران منعقد می‌شود، معنایی متفاوت دارد و از توافقاتی خبر می‌دهد که در هیچ قالب و منطقی نمی‌گنجد، چرا که عمدتاً این آپشن‌ها به نوعی تعریف می‌شوند که گویی بدون در نظر گرفتن آنها بازیکنان نه مسئولیتی در قبال تیم خود به گردن دارند و نه هیچ انگیزی برای بازی کردن؛ در واقع این بدعت تأسیر طی سال‌های اخیر شرایطی را رقم زده که دیگر کمتر بازیکنی حاضر به عقد قرارداد بدون آپشن‌های